

کسب شباهت به اهل بیت؛ بهترین و مطمئن‌ترین راه رسیدن به هدف خلقت

چرا شباهت به اهل بیت تنها راه رسیدن به هدف خلقت است؟

در اعماق وجود هر انسانی، انگیزه‌ای ذاتی برای رشد، بهتر شدن و حرکت به سوی کمال وجود دارد. ما همواره می‌خواهیم از محدودیت‌ها فراتر برویم و به نسخه‌ای کامل‌تر از خود تبدیل شویم؛ اما پرسش اساسی اینجاست:

• مقصد این حرکت انسانی کجاست؟

• چه کسی می‌تواند راهنمای ما در این مسیر باشد؟

• چه معیاری نشان می‌دهد که ما در مسیر درست قرار داریم؟

از منظر انسان‌شناسی اسلامی، مقصد نهایی این حرکت، شبیه شدن به خداست؛ اما چون ذات الهی برای ما مستقیماً قابل مشاهده نیست، نیازمند الگویی روشن و قابل لمس هستیم تا مسیر را به ما نشان دهد. الگویی که هم شبیه خدا بوده و هم برای ما قابل الگوگیری باشد. اهل بیت (علیهم السلام) دقیقاً همین نقش را ایفا می‌کنند؛ آن‌ها تجسم عینی ارزش‌های الهی و میزان کامل انسانیت هستند؛ نسخه‌ای عملی برای رسیدن به همان شباهت حقیقی.

در این مقاله نشان خواهیم داد که چرا شباهت به اهل بیت نه یک انتخاب فرعی، بلکه تنها راه مطمئن برای رسیدن به هدف خلقت است و چگونه این الگوگیری می‌تواند مسیر رشد و کمال ما را تضمین کند.

مفهوم شباهت به خدا و نقش اهل بیت در تحقق آن

شبيه شدن به خداوند، به معنای تقلید ظاهری یا دست یافتن به قدرتی خارق‌العاده نیست؛ بلکه به «هم‌سوخ شدن» با کمالات الهی اشاره دارد. این شباهت به معنای یکی شدن با ذات خدا نیست؛ بلکه یعنی اسما و صفات الهی، مانند رحمت، علم و قدرت، در وجود ما نمود پیدا کند. این فرآیند، درست مانند رابطه یک شاگرد با استادش است؛ شاگرد با تمرین و ممارست، به تدریج مهارت‌ها و کمالات استاد را کسب می‌کند تا جایی که او نیز صاحب همان «اسم» و عنوان می‌شود. مسیر شبیه شدن به خدا نیز، مسیر کسب اسما الهی و متخلق شدن به اخلاق اوست.^۱

اما پرسش مهم اینجاست: چگونه می‌توان به خدا شبیه شد در حالی که او بی‌نهایت و دست‌نیافتنی است؟

ما نمی‌توانیم خداوند را مستقیماً الگو قرار دهیم، زیرا او را نمی‌بینیم و نمی‌توانیم به صورت عینی رفتار و صفات او را در موقعیت‌های مختلف زندگی مشاهده کنیم. ما نیازمند نمونه‌ای

^۱ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «تَخَلَّفُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ.»

هستیم که از یک سو، آینه تمام‌نمای کمالات الهی باشد و از سوی دیگر، در قالب یک انسان در میان ما زندگی کرده باشد تا بتوانیم رفتار او را در جزئیات زندگی، از نحوه برخورد با خانواده و دوستان گرفته تا شیوه مواجهه با دشمنان و مشکلات، مشاهده و الگوبرداری کنیم.

اهل بیت؛ میزان و انسان کامل در مسیر شباهت

در مسیر پیچیده و حساس رشد انسانی، هیچ مسافری بدون ابزار سنجش و ارزیابی حرکت نمی‌کند. همان‌طور که کوهنورد به ارتفاع سنج و ناخدا به قطب‌نما نیاز دارد، انسان نیز برای حرکت درست به سوی کمال نیازمند یک «میزان» دقیق است. این میزان، به ما کمک می‌کند اعمال، افکار و نیت‌های خود را ارزیابی کنیم و بفهمیم آیا در مسیر درست حرکت می‌کنیم یا از هدف اصلی فاصله گرفته‌ایم.

اما این میزان نمی‌تواند صرفاً قوانین خشک و بی‌روح باشد؛ روح انسان زنده و پویاست و نیازمند یک الگوی زنده است. اهل بیت (علیهم‌السلام)، مظهر تام و تمام **حق** و تجسم واقعی انسان کامل هستند. آن‌ها نسخه بالفعل همان چیزی هستند که ما به صورت بالقوه در وجود خود داریم. ما با عرضه کردن خود به آینه وجودی ایشان، می‌توانیم نقص‌ها و کجی‌های روح خود را شناسایی نموده و مسیر شباهت به خدا را به شکلی عملی طی کنیم. امام نه تنها راهنما، بلکه میزان و معیار اعمال است.^۲ قرآن نیز می‌فرماید: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ»^۳ این

^۲ در زیارت امیرالمؤمنین آمده است: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مِيزَانَ الْأَعْمَالِ».

^۳ سوره اسراء، آیه ۷۱

یعنی جایگاه انسان‌ها در قیامت با میزان شباهت به امامان سنجیده می‌شود. بنابراین تنها راه رسیدن به هدف خلقت از مسیر شباهت به اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌گذرد و هر الگویی غیر از ایشان، ناقص و گمراه‌کننده است.

پیمودن مسیر شباهت: از تمنای قلبی تا سبک زندگی

شناخت مقصد و الگو، آغاز راه است، اما پیمودن مسیر شباهت به اهل بیت (علیهم‌السلام)، نیازمند یک حرکت عملی است. این حرکت، با تمنای عمیق قلبی آغاز می‌شود؛ همان خواسته‌ای که خود اهل بیت نیز در زیارت عاشورا به ما آموخته‌اند: «... مرا در دنیا و آخرت با شما قرار دهد و به آن مقام ستوده‌ای که شما نزد خدا دارید، برساند.»^۴ اما تحقق شباهت به اهل بیت تنها با دعا ممکن نیست. باید سبک زندگی‌مان را با سیره ایشان هماهنگ کنیم. نمی‌توان قلباً آرزوی همراهی با پاک‌ترین انسان‌ها را داشت، اما در عمل، مسیری مخالف سیره و منش آن‌ها را پیمود. این مانند کسی است که ادعای صعود به قله را دارد؛ اما تجهیزات لازم را برنداشته و در دامنه کوه سرگرم تفریحات دیگر است.

شباهت به اهل بیت یعنی در تمام انتخاب‌ها، ارتباط‌ها، افکار و رفتارهایمان، از نحوه کسب درآمد و روابط خانوادگی گرفته تا شیوه مواجهه با دوستان و دشمنان، معیار و میزان ما سیره و منش ایشان باشد؛ در غیر این صورت، ادعای شباهت چیزی جز خیال‌پردازی نیست.

⁴ «أَنْ يُجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ... وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمُخْفُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ...»

چالش‌های مسیر شباهت: خطر الگوهای کاذب

بزرگ‌ترین خطر در مسیر شباهت به اهل بیت (علیهم‌السلام)، انتخاب الگوهای کاذب است. در دنیای امروز، بسیاری از شخصیت‌ها به عنوان الگو معرفی می‌شوند؛ از هنرمندان و ورزشکاران تا فیلسوفان و دانشمندان. اما این الگوها، در بهترین حالت، انسان را تا مرزهای عقلانی یا حیوانی می‌رسانند، نه تا شباهت به خدا؛ زیرا خودشان به این مقام نرسیده‌اند.

اگر الگوی ما شخصی باشد که فقط در یک بُعد، مانند علم یا هنر یا قدرت اجتماعی رشد کرده، ما هم در بهترین حالت به همان اندازه رشد خواهیم کرد. کسی که الگوش یک دانشمند باشد، نهایتاً به قله عقلانیت می‌رسد؛ و کسی که قهرمانی ورزشی را الگوی خود بداند، در همان چهارچوب باقی خواهد ماند. اما اگر بخواهیم به بی‌نهایت نزدیک شویم و همه ابعاد وجودمان شکوفا گردد، باید الگویی را برگزینیم که خود به بی‌نهایت رسیده باشد. در واقع همان‌طور که حساس‌ترین امور مادی خود را به دست متخصص‌ترین افراد می‌سپاریم، لازم است روح خود را که بخش انسانی وجود ماست، به دست متخصصی معصوم بسپاریم. پیروی از الگوهای باطل و ناقص، نتیجه‌ای جز گمراهی و حسرت در پی نخواهد داشت.

در این درس درباره حرکت انسانی و هدف غایی آن صحبت کردیم و گفتیم که مسیر رشد انسانی سفری از «خود» به «خدا»ست. غایت این سفر، شباهت به خداوند است و اهل بیت

(علیهم‌السلام) به‌عنوان انسان کامل، هم معیار سنجش و هم نقشهٔ راه این سفر را در اختیار ما گذاشته‌اند. نقشه راه، همان سیره ایشان است و میزان، وجود نورانی آنان.

بنابراین، شباهت به اهل بیت نه‌تنها راهی مطمئن برای رشد انسانی، بلکه تنها راه تحقق هدف خلقت است؛ زیرا میزان نهایی خداست و اهل بیت مظاهر تام اویند. هر اندازه در این شباهت عمیق‌تر شویم، به همان اندازه به حقیقت الهی و هدف خلقت مان نزدیک‌تر خواهیم شد.